

شاخصه های عدالت قضایی در فرمایشات امیر المومنین (ع)

به کارگزاران خویش

مقاله ۱

مرضیه کرمی^۱

چکیده

عدالت قضایی، یکی از محوری ترین پایه های عدالت اجتماعی در اسلام است. از آنجا که شاخصه اصلی حکومت امیر المومنین (ع) عدالت است و آن را به کارگزاران خویش نیز ابلاغ کرده اند؛ این مقاله تلاش کرده تا با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و تحلیل توصیفی آنها، شاخصه های عدالت قضایی را در سفارشات ایشان بیان دارد. نویسنده این شاخصه ها را به دو محور اصلی تقسیم بندی نموده است: شاخصه های قاضی محکمه و شاخصه های قضاوت. استقلال، بی طرفی، حق پذیری و خستگی ناپذیری از جمله اصولی است که برای قاضی برشمرده و حکم بر اساس کتاب و سنت، علنی بودن دادرسی، سرعت عمل به رسیدگی، اصل مساوات و رعایت کرامت انسانی نیز از اصولی است که برای یک قضاوت عادلانه بیان کرده است.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه ای، امام علی (ع)، شاخصه، کسب و کار، نهج البلاغه.

۱. طلبه پایه پنجم مدرسه فاطمه معصومه (س).

مقدمه

امروزه نهاد قضائی به عنوان یکی از ارکان تشکیل دهنده یک نظام سیاسی و از جمله معیارها و مؤلفه‌های سنجش حکمرانی مطلوب مورد دقت نظر جامعه بین المللی قرار دارد و بدین لحاظ آنچه بیش از همه عملکرد یک دستگاه قضائی را در معرض آسیب یا تنزل جایگاه والای آن در اذهان عمومی قرار می دهد تزلزل در استقلال یا بی طرفی آن است.

عدالت قضایی، یکی از محوری ترین پایه های عدالت اجتماعی در اسلام است. یکی از مسائل مهم که موجب تحقق عدالت قضایی مورد نظر اسلام می شود، آموزه های اخلاقی و رفتاری در حوزه قضا و دادگستری است که اهمیتی بسزا دارد. با توجه به اینکه در آئین فطری اسلام قضاوت ریشه در سرشت دین الهی دارد، آداب آن نیز مطابق با قواعد و عواطف پاک فطری بوده و حتی پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه گرامی اسلامی نیز خود را مستثنی از آداب و مقررات مربوط به آن نمی دانستند و با رفتار و گفتار خویش نظر پیروان را به نکات مهم آن متوجه می نمودند.

برجسته ترین شاخص عدالت را می توان در حکومت امیرالمؤمنین (ع) جستجو کرد. دغدغه ایشان به عنوان حاکم در اجرای عدالت و بیان و تکرار آن به اشکال و طرق مختلف نشان از اهمیت این مهم در حاکمیت اسلامی دارد.

«عدالت قضائی بمعنای واقعی» اثر علی ابوالفتحی است که عدالت قضایی را در بستر مفهوم شناسی مورد بررسی قرار داده است.

محمد صالح ولیدی نیز در مقاله خود با نام «بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی (ع)» مصادیقی را از سیره امام اول شیعیان که مطابق با عدالت اوست استخراج نموده است.

«راهکارهای عدالت قضایی از دیدگاه مقام معظم رهبری» نیز اثر مجتبی جاویدی این نوع عدالت را از منظر مقام معظم رهبری بیان می کند.

تحقیق پیش رو در تلاش است با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و پردازش توصیفی آنان شاخص های عدالت قضایی را در سفارشات امیرالمومنین (ع) به کارگزاران خویش بیان کند.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱: عدالت

عدل و عدالت واژه‌ای عربی است و در لغت به معنای «راستی، درستی، دادگری، داد، همتا، لنگه، میانه‌روی، مساوات، استقامت، حکم به حق، برابری و قراردادن هر چیز در جای خود آمده است»^۱

عدالت لفظی است دارای معنا و مفهوم که حکایت از تمایلات و عواطف خاص می‌کند یعنی تناسبی در بین دسته‌ای از افعال با خواسته‌های انسان وجود دارد که موجب می‌شود آن افعال را عادلانه بنامیم. بر طبق این دیدگاه موضوع عدالت فعل یا اشیاء خارجی نخواهد بود بلکه موضوع آن نفس حالات و کیفیات نفسانی متکلم می‌باشد.^۲

ابن منظور در کتاب خود در باب مفهوم عدل بیان می‌دارد که «آنچه در نفوس انسانی مایه اعتدال و استقامت و انتظام می‌شود عدالت است و چنین انسانی مستقیم و راست و درست است.»^۳

با توجه به موارد استعمال این واژه و تعبیر و معانی گوناگونی که در کتب لغت ذکر شده است، جامعترین و کاملترین تعریف را می‌توان در بیان امیرالمؤمنین علی (ع) که معیار حق و عدالت است، یافت. ایشان در نهج البلاغه می‌فرماید: «...الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا...»^۴ عدالت قرار دادن هر چیز در جای خود است.»

یکی از مفاهیم رایج عدالت در ارتباط با رفع خصومت و حل و فصل دعاوی اصحاب دعوی، به معنی ایجاد توازن و تعادل بین حقوق فردی و اجتماعی مردم در چهارچوب قانون است. عدالت در این معنا مفهومی اعتباری است که از تلازم حق و تکلیف مردم در اطاعت از قوانین حاصل می‌شود و

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۰.

۲. کناری زاده، مفهوم عدالت از نگاه برخی فیلسوفان اسلامی و غرب: <https://b2n.ir/b97687>.

۳. همان، ۴۳۳.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

نقش آن در استقرار نظم و امنیت، با هدف دادن حق به صاحب آن، امروزه یکی از وظایف عمده دولت‌ها و قوه قضاییه است.^۱

۱-۲: قضا

قضا بر وزن فضا چه در حال مد یا قصر معانی متعددی دارد. «قضا از سوی خدای تعالی اخص از - قدر است؛ زیرا قضای خدا فصل و حکم میان تقدیر است. پس قدر همان تقدیر و قضاء قطع و فصل آن است. قطعیت می‌بخشد و فیصله می‌دهد. بعضی از دانشمندان یادآور شده‌اند که قدر به منزله چیزی است که برای وزن کردن یا کیل آماده شده است و قضاء به منزله خود کیل است.^۲

برخی حقوقدانان اسلامی، قضاء را به معنای فراغ، آورده‌اند و اطلاق لفظ قضاء بر قضا را به لحاظ فصل خصومت بین طرفین دعوا و فارغ شدن از خصومت بین آنها می‌دانند.^۳

قضاء گاهی به حکم نیز ترجمه شده است یعنی حکمی که قاضی صادر می‌کند و ممکن است این توهم شود که پس چه فرقی است میان قضاء و حکمی که از قاضی صادر می‌شود و یا حکمی که بنام فتوی از فقیه صادر می‌شود؟

در تفاوت فتوا و قضا می‌توان چنین گفت که فتوی عبارتست از « بیان حکم کلی بدون نظر به موارد و مصادیق آن به اصطلاح استخراج احکام فرعی است، بطور کلی ولی تعیین مصداق آن بعهد او نیست» مثل نماز واجب و شراب حرام است، اما در اینکه این مایع شراب است یا نه، یا این زن همسر این مرد است یا نه کاری ندارد، ولی قضاء عبارتست از حکم درباره مصادیق آن مثلاً حکم به اینکه این زن همسر این مرد است. دیگر آنکه فتوای مجتهدی بر مجتهد دیگر و مقلد آن لازمالاتباع نیست، ولی در حکم قضاء چنین نیست.^۴

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. راغب اصفهانی، الفاظ قرآن، ج ۳، ص ۲۱۲.

۳. مرادی، اخلاق حرفه ای قضا در حقوق کیفری بین المللی، ص ۱۱.

۴. ن.ک - حسنی، علی اکبر، حقوق قضا از دیدگاه علی (ع) و نهج البلاغه، مجله درسهای از مکتب اسلام، سال ۳۱، شماره ۹، صص ۴۶-۴۷. ۱۳۷۰.

۳-۱: عدالت قضایی

عدالت قضایی عبارت است از برابر داشتن و رعایت تساوی در بین اصحاب دعوی توسط قاضی در جریان رسیدگی و صدور حکم به نفع صاحب حق بارعایت منافع عمومی در چهارچوب موازین اسلامی؛ عدالت قضایی مفهومی اعتباری است که از تلازم حق و تکلیف اصحاب دعوی در اطاعت یا سرپیچی از موازین و مقررات قانون حاصل می‌شود. یا به سخن کوتاه عدالت قضایی عبارت است از رسیدگی و صدور حکم به قصد ایجاد تناسب و توازن بین حقوق فرد و اجتماع در چهارچوب قانون.^۱

بنابر آن‌چه گفته شد تحقق عدالت قضایی به اجتماع سه امر بستگی دارد: رعایت تساوی طرفین دعوا، تقدم منافع صاحب حق، صدور حکم به نفع صاحب حق.

۲. اهمیت حق در کلام امیر المومنین (ع)

اهمیت حق و دفاع از آن و اثبات بر پایداری آن در مراحل مختلف حقوقی و قضائی به قدری مهم است که در قرآن ده‌ها آیه و صدها روایت در مورد آن وجود دارد. حضرت علی (ع) به تناسب در مواقع گوناگون در رابطه با پذیرش حکومت خطبه‌هایی ایراد می‌کنند.^۲ ایشان در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند: «لَمْ تَكُنْ بَيِّعْتَكُمْ إِلَّا بِأَيْ قُلَّتِهِ، ... وَإِيمَ اللَّهِ لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنَ ظَالِمِهِ وَ لَأَقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخَرَامَتِهِ حَتَّى أَوْرَدَهُ مِنْهُلَ الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ كَارِهَا»^۳ بیعت شما با من حادثه‌ای نبود که ناگهانی باشد، ... به خدا قسم حق ستم‌دیده را از ستمگر می‌ستانم و مهار در بینی ستمگر کرده، می‌کشانم تا او را به آب‌شخور حق برم، اگرچه رفتن به آنجا را خوش نداشته باشد.

در جایی دیگر هنگامی که حضرت در خیمه مشغول وصله زدن کفش خویش است به ابن عباس گفت: «قیمت این نعل چقدر است؟ وی در جواب گفت: ارزش ندارد، فقال و الله لهی احب الی من

۱. ولیدی، بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی(ع)، ص ۲۷۱.

۲. حسین پور فشیان، پژوهشی درباره اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه، ص ۲۷.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶.

۷-۱: میزان رعایت اصول دادرسی عادلانه

این اصول از اسلام گرفته شده است و به سرعت می‌گوییم: اصل برائت در مقابل اصل اتهام در حقوق و قضاوت؛ چه در حقوق خصوصی و چه در حقوق عمومی. در حقوق خصوصی دلیل و بینه بر عهده مدعی است: «البینهُ عَلَى الْمُدْعَى» در حقوق عمومی، اصل بر برائت است. هیچکس مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرمش در دادگاه صالح ثابت شود.^۱

۸. حق دفاع و امکانات برابر دادرسی

حق دفاع و وکیل گرفتن برای متهم از شاخصه‌های مهم عدالت قضایی در دادرسی اسلامی است. در روایتی از امام علی (ع) خطاب به شریح آمده است: «میان مسلمان درنگاه کردن، صحبت کردن و در محل نشستن، مساوات را رعایت کن تا نزدیکان تو به ظلم تو طمع نکنند و دشمنانت از عدل تو ناامید نگردند.»^۲

در سیره حضرت علی (ع) می‌بینیم که در تمام قضاوت‌های خود، دفاع متهمان را می‌شنید و به آنان حق دفاع می‌داد؛ حتی به شریح قاضی فرمان داد که برای حفظ حق مدعی علیه حتی با وجود بینه با برگرداندن قسم به مدعی قضاوت را مؤکد کند.^۳ حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «من وکل وکیلا حکم علی وکیله و تجوز الوکالة بغیر محضر من الخصم، هر کس وکیلی را تعیین کرد، حکم به وکیل او تعلق می‌گیرد و وکالت بدون حضور خصم، جایز است.»^۴

دادرسی عادلانه اقتضا دارد که امکان دفاع ب هطور مساوی برای افراد فراهم شود.

۹. اصل مساوات

یکی از مسائل زیربنایی که باید در دادرسی رعایت شود یکسان نگری به اصحاب دعواست. امام علی (ع) در عینیت بخشیدن به این اصل در مورد خود و دیگران، ممتاز است. امیرالمؤمنین (ع)

۱. کعبی، شاخص‌های عدالت قضایی، ص ۲۳۲.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۵۵.

۳. شاهرودی، امام علی (ع) و اصول قضاوت، ص ۱۳.

۴. الکافی، ج ۷، ص ۴۱۳، باب ادب الحکم، ح ۱.

می‌فرمود: «شایسته نیست قاضی به یکی از طرفین توجه داشته باشد و به طرف دیگر بی توجه باشد، قاضی باید نگاهش را عادلانه میان طرفین تقسیم کند و اجازه ندهد یکی از طرفین نسبت به دیگری اظهار سلطه و دست‌درازی کند.» به تعبیر حضرت: «کسی که گرفتار قضاوت و داوری بین مردم می‌شود باید در اشاره و نگاه کردن و وضع نشستن بین آنان یکسان رفتار کند.»^۱

۱۰. اصل استیناف

امیرالمؤمنین در موارد متعددی این موضوع را تضمین کرده است. به ویژه جایی که احتمال خطا وجود داشته باشد، حق اعتراض وجود دارد.

در آثار امیرالمؤمنین علی (ع) مشهود است که وی حق نقض حکم واستیناف محاکمه را به رغم صدور حکم قاضی، برای خود محفوظ می‌داشت. این بدین معناست که حاکم، حق استیناف یا تمیز حکم را دارد. امام علی (ع) فرموده‌اند: «اگر قاضی اشتباه کرد و دانست که خطا رفته است، از بازگشت به حق و اعتراف به اشتباه سرباز نزند.»^۲

۱۱. رعایت کرامت انسانی در برخورد با مجرمان و متهمان

اصل کرامت انسانی در برخورد با مجرمان و متهمان از اهمیت ویژه‌ای در قضاوتهای حضرت برخوردار است. امام (ع) در نهج البلاغه نامه ۱۸ خطاب به عبدالله بن عباس فرماندار بصره دستور داده است «با مردم به نیکی رفتار کن و گره وحشت را از دلهای آنان بگشای» در سیره و روش قضایی امیر مؤمنان علی (ع) براساس قضاوتهای متعددی که از ایشان در تاریخ دادرسی اسلام به ثبت رسیده، هرگز از اعمال اذیت و آزار جسمی (مانند تنبیه بدنی و سایر انواع شکنجه مانند گرسنگی دادن (و آزار روانی) مانند دشنام دادن، ترساندن، اجبار و هرگونه رفتار غیر انسانی) استفاده نمی‌کرد. روش امیرالمؤمنین علی (ع) در برخورد با مجرمان و متهمان به گونه‌ای بوده است که نه تنها آنها را به اعتراف و اقرار وادار نمی‌کرد بلکه آنان را از اعتراف و اقرار به جرم بر حذر می‌داشت و از شنیدن اقرار و اعترافات آنان خودداری می‌کرد تا جرم و گناه بر ایشان ثابت نشود و

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۶.

۲. هاشمی شاهرودی، امام علی (ع) و اصول قضاوت، ص ۹.

حکم خدا و مجازات متوجه ایشان نگردد و رنج و زندان نبینند. یعنی در واقع در ثبوت جرم و مجازات برای مردم، تسامح به خرج می‌داد و از اعتراف و ثبوت جرم و تحمل مجازات جلوگیری می‌نمود^۱

ولی آنجا که حد و تعذیر ثابت می‌شد در اجرای آن کوچکترین اغماض و تسامح را روا نمی‌داشت. انسان‌دوستی، دلسوزی و مهر امام علی (ع) به اندازه‌ای بود که با افرادی که از طریق داوری عادلانه محکوم به زندانی شده بودند، خوش‌رفتاری می‌کرد.

امام علی (ع) نخستین کسی بود که خوراک و پوشاک تابستانی و زمستانی زندانیان را تأمین می‌کرد و اگر کسی دارا نبود مخارج او را از بیت المال عمومی می‌پرداخت و بالاتر از این امام علی (ع) در ساعات معینی به زندانیان اجازه خروج از محبس می‌داد تا کسی از آنان بیست و چهار ساعته در زندان محبوس نماند.^۲

نتیجه‌گیری

عدالت قضایی عبارت است از برابر داشتن و رعایت تساوی در بین اصحاب دعوی توسط قاضی در جریان رسیدگی و صدور حکم به نفع صاحب حق بارعایت منافع عمومی در چهارچوب موازین اسلامی. نظام قضایی امیر المومنین (ع) مرکب از اصول کلی قضاوت و اصول قضایی است که مجموعاً به کمک هم، عدالت قضایی در حکومت اسلامی را تأمین می‌کنند.

استقلال، بیطرفی، حق‌پذیری و خستگی‌ناپذیری از جمله اصولی است که در چرخه عدالت قضایی متوجه قاضی رسیدگی است.

قضاوت و حکم بر اساس کتاب و سنت، علنی بودن دادرسی و سرعت عمل به رسیدگی، اصل مساوات، استیناف و رعایت کرامت انسانی در برخورد با مجرمان و متهمان نیز از اصولی است که برای یک قضاوت عادلانه از سیره امیر المومنین (ع) استخراج شد.

۱. برای نمونه نگاه کنید به ← نهج البلاغه، حکمت ۴۲۰.

۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۹۷.

منابع

- قرآن
- نهج البلاغه

 ۱. آمدی، ابوالفتح، «غررالحکم»، جلد ۴، قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۳۷۵ق.
 ۲. ابن منظور، محمدبن مکرم، «لسان العرب»، ج ۱۱، بیروت: دارالفکر للطباعه، ۱۴۱۴ق.
 ۳. ابوالفتحی، علی، «عدالت قضائی به معنای واقعی»، نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۹، صص ۱۲-۲۰، مرداد ۱۳۵۴ش.
 ۴. ابن ادریس حلی، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی»، ج ۲، محقق؛ مصحح: موسوی، حسن بن احمد؛ ابن مسیح، ابوالحسن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
 ۵. حسین پور فشیان، مهرعلی، «پژوهشی درباره اخلاق حرفه ای در نهج البلاغه»، مشهد: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۵ش.
 ۶. حر عاملی، «وسائل الشیعه»، ج ۲۷ و ج ۱۸، قم: موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین، «الفاظ قرآن»، ج ۳، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش.
 ۸. کلینی، محمد بن یعقوب، «الکافی»، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ ۴، ۱۴۰۷ق.
 ۹. کعبی، عباس، «شاخص‌های عدالت قضایی»، نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا، شماره ۳۸، صص ۲۳۰-۲۳۴، پاییز ۱۴۰۰ش.
 ۱۰. کناری زاده، عبدالعلی، «مفهوم عدالت از نگاه برخی فیلسوفان اسلامی و غرب»، مجله دانش پژوهان، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش.
 ۱۱. قاضی نعمان مغربی، «دعائم الاسلام»، ج ۲، قم: دارالمعارف، ۱۳۸۳ق.
 ۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، «پیام قرآن»، ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ: نهم، ۱۳۸۶.
 ۱۳. _____، «اسلام در یک نگاه»، قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب علیه السلام ۱۳۸۵ش.
 ۱۴. مرادی، امیر؛ یوسفی مراغه، مهدی، «اخلاق حرفه ای قضا در حقوق کیفری بین المللی»، مطالعات بین المللی، سال دوم، شماره ۱۱، ۱۳۹۱ش.

۱۵. نوری، میرزا حسین محدث نوری، «مستدرک الوسایل»، ج ۳، قم: موسسه آل البیت، ۱۴۱۵ق.

۱۶. ولیدی، محمد صالح، «بررسی مصادیق برجسته عدالت قضایی در سیره امام علی(ع)»، نشریه نامه علوم انسانی، شماره ۴ و ۵، صص ۲۶۳-۳۰۲، زمستان ۱۳۷۹ و بهار ۱۳۸۰ش.

۱۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود، «امام علی (ع) و اصول قضاوت، نشریه فقه اهل بیت»، شماره ۳۳، صص ۳-۲۳، بهار ۱۳۸۲ش.